



گوشه‌هایی از شیوه‌های تربیتی پیامبر اعظم ﷺ

مجتبی نوروزی

عضو حلقه علمی بلاغ / گروه آموزشی تبلیغ و تربیت اسلامی

چکیده

پیامبر اعظم ﷺ به فرموده قرآن کریم، الگو و «اسوه حسنه» برای تمامی انسان‌ها در همه زمان‌ها است. ابعاد مختلف زندگی فردی و سیره اجتماعی آن حضرت در بعد عملی راه‌گشا و راهنمای انسان‌ها در رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است.

آن حضرت در مسائل و مشکلات مختلف اجتماعی، از روش‌های مختلف تربیتی استفاده می‌کردند. این روش‌ها به گونه‌ای است که بیشترین و بهترین تأثیر را بر مخاطبین می‌گذارد.

در این نوشتار سعی شده است، برخی شیوه‌ها و روش‌های تربیتی پیامبر اعظم ﷺ در موضوعات مختلف اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی را در قالب الگوی تربیتی به تصویر کشد تا زمینه‌آشنایی هر چه بیشتر با سیره تربیتی آن حضرت برای همگان فراهم گردد.

کلید واژه‌ها: پیامبر اعظم ﷺ، تربیت، اسوه حسنه، روش‌های تربیتی، روش‌های تربیتی اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی.

خداوند پس از خلقت انسان‌ها رسولان خود را یکی پس از دیگری برای هدایت و راهنمایی بشر فرستاد تا از طریق اتصال به منبع وحی، دستورات و تعالیم مورد نیاز انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی را به ایشان ابلاغ نمایند و خود نیز با متخلّق شدن به این فضایل، به عنوان نمونه عملی انسان کامل همواره در دسترس بشر باشند. از این رو خداوند بارها در قرآن پیامبران را به عنوان الگو و اسوه برای انسان‌ها معرفی می‌کند.

علاوه بر این، قرآن از پیامبر گرامی اسلام ﷺ به طور خاص به عنوان «اسوه حسنه» یاد می‌کند و آن حضرت را به لحاظ برخورداری از «خلق عظیم» و «رحمة للعالمین» بودن و بسیاری از فضایل اخلاقی دیگر شایسته اقتدا و تاسی می‌داند. بنابراین بر ما لازم است تا با شناخت سیره آن حضرت و اقتدا و پیروی از راه و روش ایشان، سعادت دنیا و آخرت خود و صلاح جامعه اسلامی را تأمین نماییم.

آن حضرت نه تنها برای مردم عصر خود؛ بلکه برای تمامی عصرها و نسل‌ها در تمامی جنبه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... الگو است.

یکی از جنبه‌های راه‌گشای زندگی پیامبر ﷺ، سیره تربیتی آن حضرت است. ایشان در برخورد با مسائل مختلف زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از روش‌های مختلف تربیتی استفاده می‌نمودند. این روش‌ها چون برخاسته از شناخت حقیقی انسان و روابط اوست، بیشترین و بهترین تأثیر را بر مخاطبین می‌گذارد.

با توجه به اینکه شناخت سیره و روش‌های تربیتی آن حضرت در مواجهه با مسایل مختلف زندگی فردی و اجتماعی در توان و حوصله این نوشتار نیست، برآنیم تا در این مجال مختصر، به برخی از روش‌های تربیتی پیامبر اعظم ﷺ، آنگونه که آن حضرت در زندگی اجتماعی خویش ارائه نموده، اشاره نماییم. امید است با شناخت سیره آن حضرت و تاسی به آن بتوانیم زمینه‌های هدایت خود و جامعه را فراهم سازیم.

قبل از پرداختن به روش‌های تربیتی آن حضرت لازم است تا با مفهوم تربیت آشنا شویم.



مفهوم‌شناسی تربیت

معنای لغوی تربیت

در توضیح معنای لغوی واژه تربیت، عالمان لغت تعاریفی مشابه و نزدیک به هم دارند:

راغب اصفهانی می‌گوید:

«اصل کلمه «رب» از تربیت که مصدر است می‌آید و معنایش ایجاد پی‌درپی حالات و دگرگونی‌ها در شیء «یا شخص» است تا جایی که به حد کمال برسد.^۱ خلیل بن احمد فراهیدی و ابن منظور نیز معنای «زاد» و «نَمَا» را برای این ریشه برگزیده‌اند و از نظر آنان تربیت به معنای افزایش و غلو است.^۲

معنای اصطلاحی تربیت

در معنای اصطلاحی تربیت، تعاریف مختلفی از سوی دانشمندان وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

برخی تربیت را در اصطلاح، کوششی جهت ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و در واقع به کمال رساندن تدریجی و مداوم او دانسته‌اند.^۳

استاد شهید مطهری نیز تربیت را به معنای «پرورش دادن و به فعلیت در آوردن و پروردن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است»^۴ می‌داند.

نیاز بشر به الگو و اسوه

امروزه نقش الگو و اسوه در تربیت و پرورش بر کسی پوشیده نیست. الگو‌پذیری از ویژگی‌های فطری بشر بوده و در تمامی مراحل زندگی به ویژه در دوران کودکی و جوانی مشهود است.

انسان به خاطر محدودیت‌ها و کاستی‌های بی‌شمار، لیاقت و شایستگی آن را ندارد که خود بتواند برنامه زندگی و سعادت خویش را تدوین کند. از این رو خداوند

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۳۶-۳۴۰.

۲. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، الجزء الثامن، ص ۲۸۳؛ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، الجزء الخامس، ص ۱۲۶.

۳. علی قائمی، زمینه تربیت، ص ۲۳.

۴. مرتضی، مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۳.



متعال که خالق انسان و آگاه به نیازهای اوست با ارسال کتب آسمانی از طریق الگوهای عملی (پیامبران الهی) ضمن تدوین دستورالعمل و برنامه رستگاری بشر، پیشوایان آن مکتب را نیز معرفی کرده است. به ویژه قرآن کریم که در میان دیگر صحیفه‌های آسمانی الگوست و توسط حضرت محمد مصطفی ﷺ (الگوی کامل انسان‌ها) به بشر ابلاغ شده است.

پیامبر اعظم ﷺ الگو و اسوه حسنه

قرآن کریم، حضرت محمد ﷺ را سرمشق و الگوی مطلق در تمامی ابعاد زندگی برای همه خدا جویان و کسانی که اعتقاد به رستاخیز دارند معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱): «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

بی‌تردید پیامبر گرامی به سبب «خلق عظیم»^۱ و «رحمة للعالمین»^۲ بودن، آینه مکارم اخلاقی برای همگان است تا آنجا که ایشان فرمودند: «أَنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۳: «من برای تکمیل و تمام کردن مکارم اخلاقی مبعوث گشته‌ام.»

طبق آیات الهی پیامبر، جامع همه فضایل اخلاقی و ارزش‌های الهی و بیش از انسان‌های دیگر شایسته تاسی است. قرآن پیروی بی‌چون و چرا از او را نه تنها بر مردم یک زمان و یک جامعه، بلکه بر همگان و در همه جای جهان واجب کرده است.

روش‌های تربیتی پیامبر اعظم ﷺ

پیامبر اسلام ﷺ در مواقع مختلف و با شیوه‌های گوناگون به تربیت انسان‌های غافل پرداخته، و به آنهایی که قدم در مسیر الهی نهادند، علاوه بر پشتوانه معنوی به

۱. قلم/۴: «أَنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ».

۲. توبه/۱۲۸: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ».

۳. علی بن حسین علی الاحمدی المیانجی، مواقف الشيعة، ج ۳، ص ۴۵۲.



تشویق و ترغیب‌شان نیز پرداخته تا در هدفشان ثابت قدم باشند و به سوی مقصد الهی حرکت نمایند.

آنچه از مطالعه سیره رسول اعظم ﷺ بدست می‌آید این است که سیره و زندگی آن حضرت دو گونه نقش و کارکرد دارد:

۱. **نقش تربیتی عام:** منظور این است که هر رفتاری از نبی مکرم اسلام به علت الگو بودن، برای دیگران کارکرد الگو بخشی و آموزشی دارد. از این منظر رفتار پیامبر ﷺ در بعد فردی و اجتماعی، جنگ و صلح، سیاست و حکومت و در همه حوزه‌ها برای عموم پیروان و علاقه‌مندان آن حضرت جنبه تربیتی دارد و الهام‌بخش جویندگان کمال سعادت است.

۲. **نقش تربیتی خاص:** منظور این است که برخی از رفتارهای پیامبر ﷺ علاوه بر بعد عام تربیتی، برای اثر گذاری و تغییر رفتار دیگران و در فضای ویژه تربیتی صادر شده است. از جمله آنها می‌توان به مواردی از قبیل تشویق، مشورت، ارائه شیوه‌های خاص و نوین تربیتی در مورد فرزندان، خانواده و... اشاره نمود.^۱

با توجه به این دو کارکرد، در این مختصر برآنیم تا برخی از روش‌های تربیتی خاص پیامبر اعظم ﷺ در موضوعات مختلف اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی را مطرح نماییم.

روش‌های تربیتی با رویکرد اخلاقی

هدف از بعثت پیامبران، ایجاد اخلاق حسنه و نیکو بود. حضرت محمد ﷺ نیز به عنوان خاتم پیامبران مبعوث شد تا فضایل اخلاقی و خلیات نیکو را تحقق بخشیده و رذایل اخلاقی را یادآور شود. آن حضرت بدین منظور از شیوه‌ها و روش‌های خاصی استفاده و بهره گرفت تا در سایه آن مردم را از بندگی جهالت برهاند و بسوی فضایل اخلاقی و صفات پسندیده سوق دهد. مناسب است در این قسمت به برخی از روش‌های تربیتی اخلاقی پیامبر اعظم ﷺ اشاره نماییم:

۱. سید علی حسینی‌زاده، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، ص ۲۴.



۱- تشویق و ترغیب «تبشیر»

یکی از روش‌های بسیار مهم و سودمندی که همه پیامبران در جهت هدایت انسان‌ها به کار برده‌اند روش تبشیر است. آن هنگام که پیامبران امت‌های خود را به یکتا پرستی و تقوا، صداقت و سایر اعمال نیک فرا می‌خواندند، به موازات این، آنان را مژده و بشارت می‌دادند که از ثمرات قبول و پذیرش دین الهی و پیروزی از راه و روش انبیاء، سعادت و خوشبختی و متنعم گشتن از نعمت‌های مادی و معنوی هر دو جهان است.

تشویق نوعی پاداش است و عبارتست از بکار بردن عامل یا عواملی که بتواند افراد را به نیکوکاری وادارد و یا نیکوکاران را در انجام کارهایشان دل‌گرم و کوشاتر سازد.

خداوند در قرآن کریم به مؤمنان و پرهیزکاران وعده بهشت داده و نعمت‌های فراوانی را برای آنان در نظر گرفته است. بدین منظور، پیامبر اعظم ﷺ از اقسام تشویق‌ها اعم از مادی، معنوی، زبانی و رفتاری کمک می‌گرفت. و پیوسته از عملکرد و اقدامات شایسته اصحاب خود قدردانی می‌کرد. آن حضرت هر عمل و صفت نیکویی را مورد تشویق و قدردانی قرار می‌داد و آن را چون تشکر و قدردانی از خداوند معرفی می‌نمود:

«لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ»^۱: کسی که از مردم تشکر و قدردانی نکند، از خداوند تشکر نکرده است.

در میان افرادی که در جنگ بدر به اسارت سپاه اسلام درآمدند کسانی بودند که خواندن و نوشتن می‌دانستند. از طرفی عده‌ای از آنها برای پرداخت فدیة آزادی خویش، مالی نداشتند؛ لذا پیامبر عظیم الشان اعلام فرمودند: هر یک از اسراء که به ده نفر از فرزندان مسلمانان سواد خواندن و نوشتن بیاموزد، بدون پرداخت فدیة آزاد است. با این درایت رسول خدا ﷺ عده‌ای از فرزندان اسلام، خواندن و نوشتن آموختند. زید بن ثابت از کسانی است که نوشتن را چنین آموخت.^۲

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، ص ۳۸.

۲. سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة نبی اعظم ﷺ، ج ۳، ص ۲۵۷.



۲- تنبیه و ترهیب «انذار»

از آیات الهی و سخنان گران‌بهای پیامبر اسلام ﷺ به نقش سازنده انذار و تنبیه و آگاه نمودن انسان‌ها به جهان غیر مادی آخرت و سرانجام اعمال و کردار خود پی می‌بریم. از آنجا که نبی مکرم ﷺ با هدف تربیت انسان برانگیخته شده است، در مناسبت‌های مختلف و با سخنان گهربار و ارزنده خود مردم را بیدار نموده و همان‌طور که تشویق و قدردانی جلوه رحمت و محبت خاصه حضرت است، تنبیه و مجازات وی نیز از آن جلوه است.

پیامبر اعظم ﷺ در برخورد با افراد و انجام اعمال انسان‌ها دقت و توجه ویژه‌ای داشته و سعی می‌کردند خطاها و لغزش‌های آنها را گوشزد نموده و نفس غافل و عصیان‌گر را بیدار نمایند. به همین مناسبت زشتی اعمال و رفتار انسان‌ها را یادآوری نموده و سعی می‌کردند با تربیت صحیح، انسان‌ها را روزبه‌روز، به سوی هدف تعالی تکامل سوق دهند.

اینک به نمونه‌ای از برخورد مقتدرانه و توأم با رأفت و رحمت آن حضرت در برخورد با سمرة بن جندب توجه می‌نماییم:

زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که سمرة بن جندب درختی خرما در زمینی داشت که راه آن از میان خانه مردی از انصار بود و هر گاه برای سرکشی یا بهره‌برداری می‌رفت، سرزده و بدون اطلاع قبلی داخل خانه مرد انصاری می‌شد. مرد انصاری به او گفت: تو همیشه سر زده وارد خانه ما می‌شوی و ما را در حالاتی می‌بینی که مایل نیستیم کسی ما را در آن حالات ببیند، پس از این هر موقع خواستی بیایی اجازه بگیر! سمرة گفت: من از راه خود به سوی درخت خرما می‌روم، چرا از تو اجازه بگیرم.

مرد انصاری خدمت پیامبر ﷺ رسید و جریان را تعریف کرد. آن حضرت سمرة را به حضور طلبید و از او خواست تا در هنگام ورود به خانه آن مرد اجازه بگیرد؛ ولی سمرة نپذیرفت. پیامبر فرمود: حال که حاضر به اجازه گرفتن نیستی، آن درخت را واگذار کن و به جای آن، درخت خرما در دیگری در مکان دیگر بگیر. سمرة نپذیرفت. پیامبر بر آن افزود تا آنکه حاضر شود به جای یک درخت خرما، در مکان دیگری ده درخت خرما به او بدهد. اما سمرة باز هم نپذیرفت. پیامبر فرمود: به



جای این درخت یک درخت خرما در بهشت برای تو تضمین می‌کنم. باز هم نپذیرفت.

پیامبر اعظم ﷺ به او فرمود: تو مرد سخت‌گیری هستی و نباید کسی به کسی زیان رساند. سپس امر کرد آن درخت را از ریشه کنند و نزد او انداختند.^۱

۳- معرفی الگوهای شایسته

پیامبر گرامی اسلام که خود تربیت یافته مکتب وحی و بهترین الگوی تربیتی و اسوه حسنه از جانب خداوند معرفی شده است، با بهره‌گیری از این موهبت، در مناسبت‌های مختلف الگوها را معرفی می‌کرد تا دیگران از گفتار و رفتار او پیروی نمایند و وی را سرمشق زندگی خود قرار دهند. به عنوان نمونه ایشان، حضرت علی علیه السلام و اهل بیت (علیهم السلام) را الگو و اسوه مسلمانان معرفی می‌کردند. نمونه عینی و عملی آن، جریان غدیر خم است که ایشان حضرت علی علیه السلام را خلیفه جانشین و وصی خود معرفی می‌نمایند و می‌فرمایند:

«إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا».^۲

«این برادر و وصی و جانشین من در میان شماست. فرمانش را بشنوید و اطاعت کنید.»

۱۶۲

۴- معاشرت نیکو

انسان‌های بزرگ با برخورد و خلق و خوی بزرگشان از دیگران متمایز می‌شوند. حسن خلق و گشاده‌رویی از بارزترین صفاتی است که در معاشرت اجتماعی باعث نفوذ محبت می‌شود و در تأثیر سخن اثر شگفت‌انگیز دارد. به همین جهت خداوند، پیامبران و سفیران خود را انسان‌هایی بسیار مهربان و نرم‌خو قرار داده تا بهتر بتوانند در مردم اثر گذارند و آنان را به سوی خود جلب نمایند.

رفتار پیامبر اعظم ﷺ با مردم به قدری محبت‌آمیز بود که مردم او را برای خود پدری مهربان و دلسوز می‌دانستند و در دشواری‌ها و مشکلات زندگی به او پناه می‌بردند. هر کس به خانه حضرت می‌رفت با کمال احترام و محبت با او رفتار می‌نمود تا

۱. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعة، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ج ۱۷، ص ۳۴۱.

۲. متقی هندی، کنز العمال، قم، ح ۳۶۴۱۹/ شاذان بن جبرئیل القمی، الفضائل، ص ۱۱۵.





آنجا که گاهی ردا و بالاپوش خود را زیر او پهن او می‌کرد. وقتی با مردم می‌نشست سعی می‌کرد تا آنجا که می‌شد با آنها هماهنگ شود. اگر درباره امور معنوی سخن می‌گفتند با آنها همراهی می‌نمود و اگر درباره امور ظاهری و دنیوی حرف می‌زدند، برای اظهار مهربانی با آنها هم‌سخن می‌شد. با همه افراد یکسان برخورد می‌نمود، طوری که با فقیر و غنی مصافحه و احوال‌پرسی می‌کرد.^۱

بر این اساس، پیامبر ﷺ نیکوترین برخورد را با مردم داشت به طوری که همه مجذوب دیدار و مشتاق هم‌نشینی با او بودند. این رفتار عالی بود که آنها را جذب پیامبر اعظم ﷺ می‌کرد و فرصت مناسب را برای هدایت آنها فراهم می‌ساخت. لذا بر همه افراد لازم است که با تاسی به این پیشوای نمونه در برابر عموم افراد، مهربان، خوش خلق و دلسوز باشند و با خوش رفتاری به کمک یکدیگر شتافته و در غم و شادی هم سهیم باشند و از این طریق سبب ترویج تربیت صحیح و پیوند با مردم باشند.

۵- مهرورزی به مردم

جاذبه شخصیتی هر کس، تا حد زیادی مرهون رفتار محبت‌آمیز با مردم و ارزش قائل شدن به انسان‌ها است. انسان باید در غم و شادی و حتی و رنج مردم همراه آنان باشد و خود را از آنان جدا نداند و جدا نکند.

بنابراین سیاست اصلی رهبران دینی، مهرورزی و مردم‌داری، پیوند واقعی با آنها، جلب محبت و اعتماد مردم و رفع مشکلات و برنامه ریزی صحیح برای بهینه سازی زندگی مادی و معنوی آنهاست.

قرآن کریم پیامبر اعظم ﷺ را با وصف مهربانی و رحمت و عطف نسبت به دیگران معرفی می‌کند و وظیفه مسلمانان است که به این کمال خود را متصف و به آن حضرت و کسانی که با او هستند تاسی کنند.

رفتار پیامبر ﷺ با مردم، چه مؤمن و چه کافر، از موضع شفقت و دلسوزی عادلانه بود. او مشرکان را بیمارانی می‌دانست که نیازمند پرستاری دلسوز برای معالجه و مداوا هستند. طیبی که دردشان را بشناسد و مرهمی بر آن نهد. در نظر او مؤمنان

^۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۰۸.

نیز همواره محتاج مراقبت حکیمانه به منظور رشد ایمان و سلوک‌شان هستند. بدین جهت، پیامبر ﷺ در صدد ایجاد ارتباط صمیمی و طرح دوستی با آنان و شفقت بر منحرفان در جهت نرم کردن دل و آماده کردن ایشان برای پذیرش دعوت و دوستی عمیق با مؤمنان بود.

رفتار پیامبر اکرم ﷺ با مردم مانند یک پدر مهربان بود. وقتی تشکیل حکومت داد مردم به او عشق می‌ورزیدند. ابوسفیان در شب قبل از فتح مکه توسط عباس (عموی پیغمبر) آهسته و مخفیانه، در اردوگاه مسلمین گردش کرد، و صبح هنگام تا دید که! مردم آب وضوی پیغمبر را از یکدیگر می‌ربایند و به سر و صورتشان می‌ریزند، به عباس گفت: عجب! من کسری و قیصر (پادشاه ایران و امپراتور روم) را دیده‌ام، اما شوکتی را که برادرزاده تو دارد در هیچ کدام از آنها ندیدم. آنها به زور و با سرنیزه بر مردم حکومت می‌کردند، اما این، بر دل‌های مردم حکومت می‌کند. عواطف مردم را دارد، ایمان مردم را دارد، و عشق مردم متوجه به اوست.^۱

روش‌های تربیتی اجتماعی

ترویج سیره اجتماعی و عملی پیامبر اعظم ﷺ به عنوان برترین الگوی شایسته زندگی بشری به منظور تربیت صحیح افراد جامعه نقش کلیدی و ارزشمندی خواهد داشت. ایشان با ایجاد رابطه اجتماعی عمیق با مردم بر دل‌های آنان تأثیر گذاشته و زمینه هدایت و سعادت را در آنان ایجاد نمود. اینک به نمونه‌هایی از روش‌های تربیتی اجتماعی پیامبر اعظم ﷺ اشاره می‌نماییم:

۱- تکریم دیگران

در سیره رسول اعظم ﷺ تکریم شخصیت و ارج نهادن به مؤمنین و احترام ویژه به آنها به خوبی محسوس است. پیامبر گرامی ﷺ آینه تمام‌نمای خلق و خوی قرآنی است و در قرآن، خداوند متعال خطاب به حضرت محمد ﷺ بیان می‌دارد که احترام و تکریم ویژه خود را به مؤمنین اختصاص ده و با آنان با مهر و ملاحظت رفتار نما.^۲ بنابراین، ایشان در خطابات خود لحنی مؤدبانه و همراه با احترام شایسته به افراد داشت و هیچ‌گاه دیده نشد از سخنان و عباراتی که باعث تضعیف شخصیت افراد

۱. مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی، دفتر دوم، ص ۳۲.

۲. شعراء/۲۱: «و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین».





می‌شود، استفاده کند. هنگامی که شخصی به حضور ایشان شرفیاب می‌شد حضرت در سلام کردن به او از همه پیشی می‌گرفت: «يبدأُ مَنْ لَقِيَهُ بِالسَّلَامِ».^۱ به این ترتیب مورد تکریم همگان قرار می‌گرفت.

حضرت علی عليه السلام درباره، این صفت ارزنده رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: رسول اعظم ﷺ هرگز با احدی دست نداد که دست خود را از دست او جدا کند، مگر اینکه طرف دست خود را جدا می‌ساخت، و احدی کار به او نمی‌سپرد که آن را رها کند، تا زمانی که طرف از حاجت خود صرف نظر کند و با احدی به گفتگو نپرداخت که سکوت کند، تا وقتی که طرف ساکت می‌شد. و بالاخره هرگز دیده نشد که آن حضرت پای مبارک خود را در برابر همنشینی دراز کند.^۲ تکریم و ارج نهادن به شخصیت افراد، در گفتار و رفتار پیامبر اعظم ﷺ گویای این ادعا است.

سلمان فارسی می‌گوید: حضور رسول خدا ﷺ رسیدم، دیدم حضرت به بالشی تکیه داده است. وقتی وارد شدم حضرت بالش را برای من قرار داد و سپس فرمود: سلمان! اگر شخص مسلمانی به برادر مسلمانش وارد شود و او برای احترام و اکرام برایش بالشی قرار دهد خداوند او را می‌آمزد.^۳

ایشان در برخورد با همه افراد، حتی کودکان، نوجوان اصل تکریم و احترام را رعایت نموده و دیگران را به این مهم سفارش و تأکید می‌نمودند. همین برخورد محبت آمیز ایشان باعث شد تا بسیاری از دشمنان آن حضرت پس از مواجه شدن با چنین برخوردی شرمنده گشته و به دین حضرت ایمان بیاورند و مسلمان شوند.

۲- ایجاد اخوت و برادری میان مردم

نزدیک‌ترین و محکم‌ترین ارتباط در میان افراد بشر، خویشاوندی است و از میان انواع خویشاوندی، «برادری» بسیار نزدیک و با صمیمیت‌ترین است. جامعه اسلامی

۱. محمد بند سلیمان کوفی قاضی، مناقب الامام امیرالمومنین عليه السلام، تحقیق: محمدباقر محمودی، ج ۱، ص ۱۹.

۲. محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، تحقیق: شیخ عادل احمد عبدالموجود، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۳۵.

به مثابه پیکری واحد، نیازمند پیوند و همبستگی افراد و گروه‌هاست و هر چه این همبستگی و اخوت ایمانی فزونی یابد، امکان تحقق فضایل بیشتری در میان مردم میسر می‌گردد؛ زیرا بسیاری از قوانین اخلاقی اسلام در جامعه به منصفه ظهور می‌رسد. بر اساس رهنمودهای روشنگر قرآن، اخوت و همدلی میان انسان‌ها سر فصل و بانی جدید در روابط اجتماعی است:

«در واقع مؤمنان برادر یکدیگرند، پس میان برادران اصلاح کنید و از خدا پروا بگیرید که بر شما رحمت آید.»^۱

رسول خدا ﷺ از راه‌های گوناگون کوشید تا فرهنگ برادری و اخوت اسلامی در تفکر، گفتار و عمل مسلمانان تجلی یابد. پیمان اخوت میان مؤمنان و توصیه دائم به برادری و مصادیق بارز آن مانند هم‌دردی، محبت برادران، راهنمایی، عطف و... نمونه‌های اتخاذ شیوه ترویج برادری توسط پیامبر اسلام ﷺ است. پیامبر ﷺ در طول دعوت همه جانبه خویش، دو بار رسماً اقدام به عقد اخوت میان مؤمنان نمود. بار اول پیش از هجرت میان مهاجران و بار دوم، پس از ورود به مدینه بود که پیامبر ﷺ برای بنای جامعه اسلامی در صدد بود اخوت ایمانی میان مهاجران و انصار را از پایه‌های مستحکم نظامی الهی و اجتماعی اسلامی قرار دهد.^۲

این عقد اخوت در میان مردمی که پیوسته در آتش رقابت‌های قبیله‌ای و چشم و هم چشمی‌های طایفه‌ای و تعصبات خونی و نژادی می‌سوختند، تحولی شگرف بر پا کرد و برادری و همبستگی اسلامی را جایگزین عوامل جدایی و تفرقه نمود.

۳- مشورت با دیگران

مشورت در سیره رسول خدا ﷺ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بنای تصمیم‌گیری در مدیریت بر قلب، بر مشورت و تبادل نظر در امور و پرهیز از خود رأیی و استبداد است. این مسأله از چنان اهمیت و جایگاهی برخوردار است که در قرآن کریم سوره‌ای به نام «شوری» وجود دارد که در آن مشورت از مهم‌ترین مسائل و از جمله فرائض و در کنار «استجاب خدا» و «نماز» و «انفاق» مطرح شده است. خداوند می‌فرماید:

۱. حجرات/۱۰: «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون».

۲. مصطفی عباسی مقدم، اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، ص ۱۴۶.



«وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری/۳۸)

شور و مشورت در کارها و تصمیم گیری در اسلام آن قدر اهمیت دارد که خداوند پیامبر گرامی اش را با آنکه معصوم است و با منبع وحی ارتباط دارد و دارای اندیشه کامل و نیرومندی است، به مشورت با اصحاب و نظرخواهی از آنان مأمور می کند و سیره آن حضرت پیوسته همین بود. ایشان به خاطر رشد فکری و شکوفایی استعدادهاى مردم در زندگى عملى خود، در حوادث و اتفاقات مختلف معمولاً با اصحاب و یاران خود مشورت می نمود. از جمله وصیت های رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام است:

«لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ»^۱؛ هیچ پشتیبانی مطمئن تر از مشورت نیست.

بنابراین ایشان در کارهایی که از طرف خدا فرمان مخصوصی صادر نشده و کار به خود امت واگذار شده بود، گاه با مردم مشورت می کردند و از رأی و نظر خردمندان و دورانیشان و عاقلان بهره می بردند. و حتی در مواردی رأی دیگران را بر نظر خود مقدم می داشتند. سیره نویسان می نویسند:

در جنگ احد، پیامبر ﷺ شورایی تشکیل داد و درباره اینکه برای جنگیدن از مدینه بیرون بروند یا در مدینه سنگر بگیرند، مشورت نمود. نظر شخص پیامبر ﷺ و عده ای دیگر سنگربندی در مدینه بود؛ ولی بیشتر جوان هایی که از یاران پیامبر ﷺ بودند به بیرون رفتن از مدینه تمایل نشان دادند و گفتند: یا رسول الله ما تابع شما هستیم؛ ولی چون از ما نظر خواستید، عقیده ما بیرون رفتن است.

در نگاه پیامبر ﷺ مجتمع انسانی و سازمانی که بر اساس خود رأیی اداره شود، مجموعه ای فاقد حیات و مرده است و شایسته بقا و دوام نیست. آنان که بدون مشورت به ادراة امور می پردازند و فارغ از آن تصمیم می گیرند، از دورانیشی بی بهره اند و نظام امور را به سستی می کشانند؛ زیرا مشورت سبب اصلاح و استحکام و بقای امور می شود.^۲

۱. محمد دشتی، شرح نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳؛ شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۴؛

محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰، ج ۹۱، ص ۲۵۴.

۲. مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی (منطق عملی)، ص ۳۹۰.



۴- مشارکت در کارها

پیامبر اکرم ﷺ همان طور که دیگران را به کار، تلاش و کوشش دعوت می‌کردند، خود نیز در کارها مشارکت می‌کردند.

در مسافرت که تقسیم کار صورت می‌گرفت، حضرت هم کاری را به عهده می‌گرفت در حالی که یاران ایشان مانع می‌شدند. این، حاکی از روح بلند و تواضع بی‌همتای ایشان است که با اعمال و رفتار خود بهترین سرمشق و الگو برای دیگران هستند.

ایشان در ساخت مسجدها از جمله مسجدالنبی و... مشارکت داشتند و نقل شده است که پیامبر اعظم ﷺ در یکی از سفرهایش دستور داد تا گوسفندی را برای غذای کاروان آماده کنند. در این میان یکی از کاروانیان و یاران پیامبر ﷺ گفت: ذبح گوسفند با من. و دیگری گفت: کندن پوست گوسفند با من. سومی گفت: پختن گوشت آن با من. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: جمع آوری هیزم برای آتش نیز به عهده من. یاران پیامبر ﷺ با شنیدن این سخن به حضرت عرض کردند: یا رسول الله! ما خودمان کارها را انجام می‌دهیم، شما زحمت نکشید. حضرت فرمود: می‌دانم که شما می‌توانید این کار را انجام دهید؛ ولی خداوند از کسی که با رفقای خویش همسفر بوده و برای خود امتیازی قایل شود، راضی نیست. سپس حضرت برخاست و به جمع آوری هیزم پرداخت.^۱

۵- اهمیت به جوانان

در میان رفتارهای ارزنده رسول خدا ﷺ نسبت به اقشار مختلف مردم، شیوه نگاه و اندیشه آن حضرت به جوانان است. ایشان به جوانان که توانمندترین قشر جامعه‌اند، بیشترین نقش را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی می‌داد. پیامبر اعظم ﷺ جوانان را به خوبی درک می‌کرد و به احساسات و تمایلات آنان توجه و اهتمام ویژه داشت، به آرمان‌خواهی و خواسته‌های آنان توجه می‌نمود به طوری که به آنها شخصیت می‌داد و با آنان به مشاوره و نظرخواهی می‌پرداخت و با درک صحیح از موقعیت آنها آنان را معتقد، بالنده و خود باور پرورش می‌داد.

۱. عباس قمی، کحل البصر، ص ۶۸؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۷۳.



اینک به نمونه‌هایی از رفتار و توصیه‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به جوانان اشاره می‌نماییم:

الف- مسئولیت دادن به جوانان

پیامبر اعظم در سپردن امور، شایستگی افراد را لحاظ می‌کرد. ایشان بر خلاف رسم و رسوم جاهلیت، جوانان شایسته را در مناصب و مسئولیت‌های مهم قرار می‌داد. به طوری که فرماندهان و فرمانداران سرزمین‌های مختلف در آن زمان جوانان بودند. به عنوان نمونه ایشان عمرو بن حزم را که جوانی هفده ساله بود، به فرمانداری نجران در یمن منصوب کرد.^۱ نیز عتاب بن اسید را که جوانی بیست و چند ساله و در نهایت زهد و پرهیزکاری بود، فرماندار مکه قرار داد که از نظر سیاسی پس از مدینه مهمترین پایگاه محسوب می‌شد.^۲ این کار حضرت، مورد اعتراض قرار گرفت که چرا جوان را بر بزرگسالان ترجیح داده است، و حضرت محمد صلی الله علیه و آله بسیار متین جواب داد که ملاک مسئولیت، بزرگی سن نیست؛ بلکه فضیلت و شایستگی باعث بزرگی است: «فَلَيْسَ الْأَكْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلُ بَلِ الْأَفْضَلُ هُوَ الْأَكْبَرُ»^۳

ب- تقویت روحیه کار و تلاش در جوانان

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با روش‌های مختلفی روحیه کار و تلاش را در مردم به خصوص جوانان زنده می‌کرد. نقل شده اگر جوانی را مشاهده می‌کرد که بی کار است می‌فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَجِبُ الشَّابَّ الْفَارِغَ»^۴ خدا از جوانی که عمر خود را تلف می‌کند و به بی کاری می‌گذراند، خشنود نیست، بنابراین وقتی جوانان را می‌دیدند از ایشان دو سوال می‌کردند و می‌پرسیدند:

آیا ازدواج کردی و شغلی داری یا نه؟ اگر جوان می‌گفت ازدواج نکردم و شغلی ندارم، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «سَقَطَ مِنْ عَيْنِي»^۵ از چشمم افتادی! روزی مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و برای عائله خود کمکی در خواست نمود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چون او را قادر به کار یافت، تبر و ریسمانی به او داد و فرمود: برو با

۱. عبدالحی الکتانی، الترتیب الاداریه، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۶۹ و ۱۴۸.

۳. التفسیر المنسوب الی الامام حسن بن علی العسکری علیه السلام تحقیق، مؤسسه الامام المهدی، ص ۵۵۷.

۴. میرزا جواد تبریزی، صراط النجاة، ص ۵۴۰.

۵. سید مهدی حجازی، در الاخبار، ترجمه: علیرضا حجازی، خسروشاهی، ص ۷۰۴.



این تبر هیزم بکن و با این ریسمان آن را ببند، و در بازار مصرف به فروش برسان و از این راه به زندگانی آبرومندانه و شرافتمندانه خود ادامه بده و نتیجه کسارت را نیز به من اطلاع بده، این مرد به دستور نبی مکرم ﷺ عمل کرده تا آنکه سرمایه‌ای که از رسول خدا ﷺ از بیت المال گرفته بود، پس داد و نزدیک زمانی دارای ثروت شد.^۱

در روایت دیگری آمده است که روزی حضرت همراه یاران خود، جوان توانا و نیرومندی را دید که اول صبح به کار و کوشش مشغول شده است. کسانی که در محضر رسول خدا ﷺ بودند سخن به کنایه گشودند و گفتند: این جوان اگر نیرومندی و توان خود را در راه خدا به کار می‌انداخت شایسته مدح و ستایش بود. رسول خدا ﷺ در پاسخ به این نظر اصحاب فرمود: این سخن را نگوئید. اگر این جوان برای معاش خود تلاش می‌کند که در زندگی محتاج دیگران نباشد و از مردم مستغنی گردد و با این عمل در راه خدا قدم برمی‌دارد. همچنین اگر کار کند تا زندگی والدین ضعیف یا کودکان ناتوان را تأمین کند و از مردم بی‌نیازشان گرداند باز هم به راه خدا می‌رود؛ ولی اگر کار کند تا با درآمد خود بر تهیدستان مباحثات نماید و بر ثروت و دارایی خود بیافزاید او به راه شیطان رفته و از صراط حق منحرف شده است.^۲

۶- احترام به مقام کارگر

پیامبر گرامی اسلام ﷺ علاوه بر تشویق افراد به کار و کوشش، به مقام کارگر احترام ویژه‌ای می‌گذاشتند و کارگران را انسان‌های شریفی دانسته که مشمول رحمت خداوند و مورد احترام و تکریم افراد قرار می‌گیرند.

از بارزترین مصادیق احترام پیامبر اعظم ﷺ به کارگران، بوسیدن دست ایشان است. در روایتی نقل شده که وقتی رسول الله ﷺ از غزوه تبوک برگشتند: سعد انصاری به استقبال آن حضرت شتافت و نبی اکرم ﷺ با او مصافحه کرد و چون دست در دست سعد گذاشت، فرمود: این زبری چیست که در دست‌های توست؟ عرض کرد یا رسول الله! با بیل و کلنگ کار می‌کنم و برای خانواده‌ام روزی فراهم می‌نمایم. پیامبر

۱. علی اکبر نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۸.

۲. فیض کاشانی، ملا محسن، محجة البیضاء، ج ۳، ص ۱۴۰.



اعظم ﷺ دست سعد را بوسید و فرمود: این دستی است که حرارت آتش دوزخ به آن نرسد.^۱

۷- سپردن مسئولیت‌ها به افراد شایسته

رعایت اهلیت در انتخاب افراد و واگذاری کارها از مهم‌ترین مسائل در سیره سیاسی رسول خدا ﷺ بود. یعنی کسی که قرار است مسئولیت کاری را عهده دار شود باید شایستگی‌های لازم برای آن مسئولیت را دارا باشد. و سنت الهی این چنین است. خداوند به هیچ کس جز بر اساس شایستگی‌ها و اهلیت‌های لازم مسئولیت نمی‌دهد.

رسول خدا ﷺ در انتخاب افراد و سپردن مسئولیت به آنها، رعایت اهلیت و شایستگی افراد را می‌نمود و چنان‌که مرسوم و معمول بوده است رعایت خویشاوندی یا بزرگی سن یا قدرت مالی را لحاظ نمی‌کردند. از واگذاری امور به ناهلان و طالبان فرمانبرداری و آزمندان و کسانی که فاقد علم، قدرت، عدالت و تجربه و بی‌بصیرت و بی‌تدبیر و مستبد و قدرت طلب و خودخواه بودند، جداً پرهیز می‌نمودند. حضرت ﷺ در بیان شریف خود می‌فرمایند:

«إِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلَحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا، فَمَنْ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲.

ریاست شایسته نیست، مگر برای اهلس. پس هر کس مردم را به خود بخواند و در میان مردم داناتر از او وجود داشته باشد، خداوند در روز قیامت به وی نظر نخواهد افکند.

۸- مشارکت زنان در امور اجتماعی

رسول خدا ﷺ با الهام از وحی الهی، بسترهای رشد و بالندگی را در زندگی زنان گسترده و آنان را از ذلت‌ها، بی‌هویتی‌ها، تحقیرها، محدودیت‌ها، بردگی‌ها و... نجات بخشید. به طوری که زنان همدوش مردان آزادانه با حفظ حرمت و کرامت خویش در اجتماع حضور یافتند.

۱. ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۲۶۹.

۲. محمد بن نعمان بغدادی، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۲۵۱.



پیامبر اعظم ﷺ زنان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی سیاسی و حتی نظامی شرکت می‌داد. در جنگ‌ها با امداد رسانی و حتی دفاع حضور آنان را گرامی می‌داشت، پیرامون مسائل گوناگون با آنان به گفتگو می‌پرداخت. به عنوان نمونه، برخی از بانوان تجربه دیده، برای کمک به جنگاوران اسلام همراه آنان از مدینه بیرون می‌آمدند، و با سیراب کردن تشنگان، و شستن لباس‌های سربازان و پانسمن کردن زخم مجروحان به ایشان کمک می‌کردند. ام‌عامر معروف به نسیبه از جمله افرادی است که برای رسانیدن آب به سربازان اسلام در احد شرکت کرد و حتی در لحظاتی که دشمنان به مسلمانان حمله نموده و مسلمانان شکست خورده، پا به فرار گذارند و جان پیامبر ﷺ در معرض خطر قرار گرفت، با شمشیر از حملات دشمن کاست و با تیراندازی از پیامبر ﷺ دفاع نمود. پیامبر خدا ﷺ همیشه از فداکاری‌های این زن نمونه تجلیل می‌کرد و طبق خواسته خود نسیبه، از خداوند متعال در خواست کرد تا در بهشت ملازم حضرتش قرار گیرد.^۱

۹- نفی برتری جویی و ریاست طلبی

در نظام تبعیت و اطاعت نبوی، جایی برای برتری جویی و ریاست طلبی نیست. رسول اعظم ﷺ به شدت با هر گونه برتری جویی و ریاست طلبی و حرکتی که نشانه‌ای از آن داشته باشد، برخورد می‌کرد و اجازه نمی‌داد این ویژگی‌ها ظهور و رشد پیدا کند.

روایت شده است که مردم در چگونگی تقسیم غنائم بدر اختلاف کردند. پیامبر اعظم ﷺ فرمان داد تا همه غنائم را به بیت المال برگردانند و همه برگردانده شد. شجاعان می‌پنداشتند که رسول خدا ﷺ غنائم را به آن اختصاص خواهد داد، بدون آنکه چیزی به ناتوانان داده شود؛ ولی آن حضرت فرمان داد که همه غنائم را به طور مساوی میان آنان تقسیم کنند، سعد ابن ابی وقاص گفت: «ای رسول خدا! آیا به شهسواران که نگهبانان قوم هستند به اندازه ناتوانان سهم می‌دهید؟» پیامبر اعظم ﷺ فرمود: مادرت به عزایت بنشیند! مگر شما جز به برکت ناتوانان پیروز می‌شوید.^۲

^۱. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، صص ۶۶-۶۸.

^۲. مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی (دفتر سوم: سیره مدیریتی) ص ۲۶۷.



در سخن سعد، تن‌ها نادیده گرفتن عنایت‌های الهی بر مستضعفان نبود، بلکه نشانه‌های برتری جویی نیز وجود داشت که رسول خدا ﷺ این گونه سخت با آن برخورد کرد.

پیامبر اعظم ﷺ درباره خود می‌فرماید:

«أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَأَ فَاخِرَ، وَ بِيَدِي لِيَوَاءُ الْحَمْدِ وَ لَأَ فَاخِرَ، وَ مَا مِنْ نَبِيٍّ يَوْمَئِذٍ آدَمَ فَمَنْ سِوَاهُ إِلَّا تَحْتَ لِيَوَائِي، وَ أَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ، وَ أَوَّلُ مُشَفَّعٍ وَ لَأَ فَاخِرَ.»^۱

من آقای فرزندان آدم در روز قیامت هستم و افتخاری نیست؛ و پرچم ستایش به دست من است و افتخاری نیست، و هیچ پیامبری از آدم گرفته تا دیگران نیست که زیر پرچم من نباشد و من نخستین شفاعت کننده‌ام و نخستین کسی که شفاعتش پذیرفته شود و افتخاری نیست.

پیامبر خدا ﷺ از هرگونه برتری جویی و ریاست طلبی در رفتار بیزار بود و رفتار سراسر تواضعش درس خوبی است تا مسلمانان چگونه زیستن و رفتار کردن و چگونه اداره کردن امور را بیاموزند.

۱۰- نفی خرافات و رسوم جاهلی

از دیگر روش‌های تربیتی ایشان، مبارزه با خرافات است. خرافات در هر عصر و زمان ممکن است مطرح باشد ولی آنچه که مسلم است این است که وظیفه هر مؤمن راستین، مبارزه با مواردی است که دلیلی عقلایی و منطقی نداشته و از نظر اسلام مردود است. انسان شایسته با تاسی به پیامبر ﷺ، خداوند متعال را بر اعمال خود شاهد و ناظر می‌بیند و با خرافات و رسوم غلط مبارزه می‌کند. به عنوان نمونه، روزی که ابراهیم پسر رسول خدا ﷺ چشم از جهان فرو بست، خورشید گرفت. عده‌ای گفتند: خورشید نیز به خاطر مرگ ابراهیم غمگین است و این، علامت عظمت رسول خداست. پیامبر ﷺ فوراً پیش از دفن جنازه ابراهیم، مردم را به مسجد دعوت کرد و بالای منبر رفت و فرمود: ای مردم! خورشید و ماه دو نشانه از نشانه‌های خداست و به دستور او در سیر و حرکت و به فرمان او مطیع هستید و هرگز به خاطر مرگ و زندگی کسی گرفته نمی‌شوند! هرگاه خورشید و ماه گرفت،

^۱ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۴۳۳-۴۳۶.



نماز بخوانید. سپس از منبر پایین آمد و نماز آیات را با جماعت خواند. آن گاه به علی علیه السلام فرمود: پیکر فرزندم ابراهیم را برای دفن آماده کن! علی علیه السلام جنازه ابراهیم را غسل داد و کفن کرد و سپس مردم دفنش کردند.^۱

روش‌های تربیتی خانوادگی

اسلام به تشکیل خانواده و پرهیز از زندگی فردی اهمیت می‌دهد و تشکیل خانواده را عامل آرامش و پاکی می‌داند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله افراد را به تشکیل خانواده و پرهیز از مجرد دعوت نموده و ازدواج را سنت خود معرفی می‌نماید: «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي».^۲

آن حضرت در مورد تحکیم پایه‌های خانواده نیز می‌فرماید: «مَا بُنِيَ بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ»^۳

هیچ بنیانی عزیزتر از پیوند ازدواج در نزد خدا نیست.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله توجه ویژه‌ای به خانواده داشت، طوری که اوقات خود را در خانه به سه بخش تقسیم نموده: بخشی برای خدا، که در این بخش به عبادت و نماز و نیایش و تهجد می‌پرداخت. بخشی برای خانواده و گفتگو و انس گرفتن با آنان و تأمین نیازهای روحی و عاطفی و... و بخشی را برای مردم که به امور آنان رسیدگی می‌کرد و نیازهای مختلف آنان را برآورده می‌ساخت.^۴

اینک به برخی از روش‌های تربیتی خانوادگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله اشاره می‌نماییم:

۱- خوشرویی با اهل خانه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اهل خانه و خانواده خویش، خوشرو و مهربان بود. محبت و عشق به همسر را در کنار عشق به نماز شمرده و می‌فرمود: از دنیای شما سه چیز محبوب من است: عطر، همسر، اما آرامش و شادابی چشمان من در نماز است.^۵

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۵۵.

۲. ابن حجر العسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۹۱.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ص ۱۳.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، ص ۱۳.

۵. محمد تقی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۵۲؛ محمد بن قولویه قمی، کامل الزیارات، تحقیق: شیخ جواد قیومی، ص ۳۵۹.





زیباترین جمله در مورد محبت دو همسر به یکدیگر به ویژه مرد به زن از رسول خدا ﷺ ابراز شده است، که از اعماق جان و فطرت خبر می‌دهد. بهترین سخن مرد به همسرش که هیچ گاه از قلبش زدوده نمی‌شود این است که مرد به همسرش بگوید: «من تو را دوست دارم.» «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لِأَيِّذَهُبُ عَنْ قَلْبِهَا أَبَدًا.»^۱

ایشان از هر اقدامی که موجب دلسردی همسران شود پرهیز می‌کرد و کانون خانواده حضرت، سرشار از صفا، صمیمیت، مودت و آرامش بود. پیوسته دیگران رابه خوشرویی با اهل خانه دعوت می‌کرد و می‌فرمود:

«خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي.»^۲

بهترین شما شخصی است که با همسران خود خوشرفتار باشد و من از تمامی شما نسبت به همسرانم خوش رفتارتر هستم.

۲- تعاون و همکاری در منزل

از فضایل و ویژگی‌های پیامبر اعظم ﷺ این است که در کارهای منزل به اهل خانه کمک می‌کرد، و هیچ کاری را به همسران خود تحمیل نمی‌کرد؛ نه تن‌ها همسران بلکه هیچ کاری را بر هیچ کسی تحمیل نکرد. آن حضرت در این زمینه می‌فرمایند:

«من و پیروان فضیلت خواه از امتم، از تحمیل کار و کلفت به دیگران بیزار هستیم»^۳
پیامبر اعظم ﷺ در خانه خویش خدمتکار اهل خانه بود. کفش خود را وصله می‌زد، گوسفندان و شتران را می‌دوشید، در دستاس کردن گندم به کمک خادم خانه می‌شتافت و او را یاری می‌کرد. لوازم خانه و زندگانی را به پشت خود از بازار به خانه می‌آورد.^۴ گاه اتفاق می‌افتاد که خانه را جارو می‌کرد و خود مکرر می‌فرمود: کمک به همسر در کارهای منزل، صدقه و احسان در راه خدا محسوب می‌شود.

روزی رسول خدا ﷺ برای صله رحم به خانه امام علی عليه السلام وارد شد، او و حضرت فاطمه عليها السلام را دید که با کمک یکدیگر با آسیاب دستی گندم آرد می‌کنند. پیامبر ﷺ

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۱۰.

۲. همان، ص ۱۲۲.

۳. محسن فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۳، ص ۳۶۶.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۵۰؛ عباس قمی، کحل البصر، ص ۱۵۲.

فرمود: کدامیک خسته تر هستید؟ علی علیه السلام عرض کرد: فاطمه س». پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه س گفت: دخترجان برخیز، فاطمه س نیز برخاست و پیامبر صلی الله علیه و آله به جای او نشست و علی علیه السلام را در آرد کردن گندم کمک نمود.^۱

۳- احترام و نیکی به پدر و مادر

احترام به پدر و مادر آن قدر مهم و با اهمیت است که خداوند متعال در کنار پرستش خود، سفارش به نیکی به پدر و مادر می کند و می فرماید: ﴿أَنِ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ﴾ (لقمان/۱۴)

احترام و نیکی به والدین در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جایگاه خاصی دارد. ایشان گرچه در سنین کودکی از نعمت پدر و مادر محروم گردید، اما تاریخ حکایت از قدرشناسی و تکریم ویژه آن حضرت نسبت به دایه های خود حلیمه سعدیه و ثوبیه دارد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ثوبیه را که بیش از سه روز به حضرت شیر نداده بود همیشه تکریم و احترام می کرد. و به خاطر محبت های او در دوران شیرخوارگی، جویای حالش می شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه برای او که «در مکه می زیست» لباس و هدیه می فرستاد و بعد از فوتش نیز غمگین گردید و از خویشان او جویا شد تا به آنها محبت کند.^۲

۴- تکریم کودکان

کودک به لحاظ اینکه به مبدأ فطرت نزدیک تر است، سرشار از پاکی، صمیمیت، طراوت و شادابی است و شکوفایی و پرورش استعداد های درونی او از اهمیت به سزایی برخوردار است. کودک یک هدیه الهی است که تربیت او باید همراه با آگاهی از ابعاد وجودی و ظرفیت های وی انجام گیرد.

سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله احترام و توجه به کودکان بود و رفتار عملی ایشان گویای این ادعاست. به نمونه هایی از برخورد ایشان با کودکان و گرامیداشت آنان توجه می نماییم:

۱. همان، ج ۴۳، ص ۵۰.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۴۰۱.



الف- نیکی و احترام به کودکان

پیامبر اعظم ﷺ به کودکان احترام ویژه‌ای می‌گذاشت و آنان را مورد محبت و عطف خود قرار می‌داد. ایشان معمولاً به هنگام ورود افراد به مجلس به احترام آنها می‌ایستاد، و برای آنها جا باز می‌کرد. اما در برابر فرزندان خویش، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) علاوه بر این چند قدم به استقبال می‌رفت. در این رابطه نقل شده است که «پیامبر ﷺ نشسته بود، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به طرف آن حضرت آمدند. پیامبر ﷺ وقتی آنان را دید به احترام آنها ایستاد و چون به کندی حرکت می‌کردند، به استقبال آنها رفت و آنها را بر دوش خود سوار کرد و فرمود:

«نِعْمَ الْمَطِيُّ مَطِيكَمَا وَ نِعْمَ الرَّكْبَانِ أَنْتُمَا»^۱

چه مرکب خوبی دارید و شما چه سوارکاران خوبی هستید.

پیامبر اعظم ﷺ همواره کودکان را با احترام و نام نیک صدا می‌کرد. هنگام نام گذاری، نام‌های نیک برای آنان انتخاب می‌نمود. اگر کسانی یا کودکانی نام‌های زشت یا نامناسبی داشتند، نام آنها را به نام‌های نیک تغییر می‌داد. و هنگام صحبت با کودکان از لفظ «یا بنی» (فرزند عزیزم) استفاده می‌کردند که نهایت احترام و نیکی به کودکان است.^۲

ب- برخورد محبت آمیز با کودکان

به لحاظ ظرافت روح کودک، پیامبر اعظم ﷺ تلاش می‌کرد تا هیچ کودکی را آزرده خاطر ننماید. به انس با کودکان اصرار داشت و خود، پیشقدم در محبت به کودکان بود، به طوریکه با آن عظمت و شخصیتی که داشت به کودکان کوچه و بازار سلام می‌کرد و می‌فرمود:

«خَمْسٌ لَسْتُ بِتَارِكِهِنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ... وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَانِ لِيَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي»^۳
«پنج چیز را تا آخر عمر ترک نخواهم کرد... و از آن موارد، سلام کردن به کودکان است تا اینکه بعد از من سنت شود.»

۱. باقر شریف القرشی، حیاة الامام الحسین علیه السلام دراسة و التحليل، ص ۸۷.

۲. سید علی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۰۳.

۳. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۰۹.



از مصادیق محبت پیامبر اعظم ﷺ به کودکان در آغوش گرفتن ایشان است. به طوریکه حتی اگر کودک را در آغوش داشت و کودک در آغوش وی ادرار می نمود، حاضر نبود کودک را از خود جدا کند و می فرمود: با خشونت از ادرار کودک جلوگیری نکنید.^۱ همواره کودکان را مورد محبت، مهر و عطوفت خود قرار می داد و برای رشد و شکوفایی کودک به آنان شخصیت می داد.

ج- بازی با کودکان

رسول الله ﷺ با شخصیت عظیمی که داشت در برابر کودکان، خود را همسان آنان قرار می داد. با آنها به بازی می پرداخت و همواره دیگران را رهنمود می داد: «کسی که در نزد وی کودک است باید کودکانه رفتار نماید.»^۲

ایشان پیوسته با امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بازی می کرد و آنها را بر دوش خود سواری می داد. نقل است که روزی پیامبر خدا ﷺ امام حسین علیه السلام را در کوچه با بچه ها مشغول بازی دید. حضرت، آغوش خود را گشود تا وی را در آغوش بگیرد، لیکن کودک با حضرت به شوخی پرداخت. این طرف و آن طرف دوید و حضرت نیز به دنبال وی، تا اینکه وی را در آغوش بگیرد. بچه را گرفت، دستی زیر چانه کودک زد و دست دیگر پشت گردن او گذاشت، لب بر لبش نهاد و او را بوسید.^۳

بازی با کودکان در سیره پیامبر اعظم ﷺ اختصاص به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نداشت. نقل شده است کودکان، در راه مسجد از پیامبر ﷺ می خواستند تا آنها را سواری دهد و ایشان خواسته آنان را اجابت می کرد، به طوری که روزی بلال با دیرشدن وقت نماز به دنبال پیامبر آمد، ایشان بازی را رها نکرده بلکه بلال را فرستاد تا گردویی آورد و پیامبر ﷺ با نشان دادن گردو که مورد علاقه کودکان نیز هست، خود را آزاد و کودکان را با این شیوه جالب از بازی منصرف کرد.^۴

د- نوازش و مهربانی با کودکان یتیم

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۰.

۲. محمد بن حسن، حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۲۱.

۳. امیر ملک محمودی، سیره پیامبر اعظم ﷺ، ص ۲۹۱.

۴. سید علی اکبر حسینی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۲۰.





اسلام با روش تربیتی خود به برآورده کردن نیازهای یتیم مانند نیکی و به عدالت رفتار کردن با او نیز توجه کرده است؛ چرا که روح لطیف و قلب حساس کودک یتیم، بیش از هر چیز نیازمند محبت و عواطف انسانی است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ» (ضحی/ ۵۹) «یتیم را میازار و از خود مران»

آیات قرآنی و روایات پیامبر گرامی ﷺ توجه به اهمیت فوق العاده پرداختن به امور یتیمان دارد. به طوری که رسول خدا ﷺ می‌فرمایند:

«خَيْرُ بُيُوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يَحْسَنُ إِلَيْهِ وَ شَرُّ بُيُوتِكُمْ بَيْتٌ يَسَاءُ إِلَيْهِ.»^۱

بهترین خانه‌های شما منزلی است که در آن یتیمی مورد احسان قرار گیرد و بدترین آنها خانه‌ای است که در آن با یتیمی بد رفتاری شود.

نقل شده است پیامبر اکرم ﷺ از کوچه‌ای می‌گذشت که کودکان در آن گرم بازی بودند و کودکی گرفته و مغموم در گوشه‌ای نشسته بود. پیامبر ﷺ جلو رفت سلام کرد و پرسید: چرا بازی نمی‌کنی؟ کودک پاسخ داد، چون لباس من کهنه است و پدر ندارم، کودکان مرا به بازی نمی‌گیرند. پیامبر ﷺ کودک را به آغوش کشید و به خانه فاطمه (س) برد و به دختر گرامی خود فرمود: آیا دلت می‌خواهد برایت برادری آورده باشم؟ سپس فرمود: دخترم مقداری آب آماده کن و یک دست از لباس‌های کودکان را بیاور! فاطمه (س) چنین کرد و به کمک پیامبر ﷺ کودک را شست شو داد و لباسی تمیز بر او پوشاند و موهایش را شانه زد. سپس پیامبر ﷺ او را به کوچه آورد و در برابر سایر کودکان با او مشغول بازی شد تا اینکه کودکان دیگر به سراغ پیامبر ﷺ آمدند و گفتند: چرا با ما بازی نمی‌کنی؟ حضرت فرمود: به شرطی با شما بازی می‌کنم که با این کودک بازی کنید. سپس پیامبر ﷺ آن کودک را به میان بچه‌های دیگر فرستاد و همگی با هم مشغول بازی شدند.^۲

۱. ابی زید الثعالبی المالکی، تفسیر الثعالبی، تحقیق: عبد الفتاح ابوسنة شیخ علی محمد معوض، ج ۳، ص ۲۶۲.

۲. محمد علی کریمی‌نیا، الگوهای تربیت، ص ۸۵.

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، بی جا، انتشارات ائمه، چاپ اول، ۱۳۷۹هـ ش.
- ۳- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن، اسد الغابه فی معرفة الصحابة، بیروت، لبنان، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۴- الاحمدی المیانجی، علی بن حسین علی، مواقف الشیعة، مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ هـ ق.
- ۵- اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، تهران، انتشارات حوراء، چاپ اول، ۱۳۷۹هـ ش.
- ۶- الثعالبی، ابی زید، تفسیر الثعالبی، تحقیق: عبد الفتاح معوض، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸ هـ ق.
- ۷- حجازی، سید مهدی، درر الاخبار، ترجمه علیرضا حجازی، خسروشاهی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹هـ ق.
- ۸- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسایل الشریعة، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، لاحیاء التراث، قم، مهر، بی تا.
- ۹- حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
- ۱۰- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی (سیره اجتماعی)، بی جا، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
- ۱۱- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی (سیره مدیریتی)، تهران، انتشارات دریا، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
- ۱۲- زبیدی، محمدتقی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، مکتبه الحیة، بی تا.
- ۱۳- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، بی تا.
- ۱۴- شریف القرشی، باقر، حیاة الامام الحسین علیه السلام دراسة و التحلیل، نجف، انتشارات الادب، الطبعة الاولى، ۱۲۹۴ هـ ق.
- ۱۵- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، نشر الجماعة المدرسین، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ هـ ق.
- ۱۶- شیخ مفید، الاختصاص، تحقیق استاد ولی علی اکبر غفاری، قم، جماعة المدرسین، بی تا.
- ۱۷- صالحی شامی، محمد بن یوسف؛ سبل الهدی و الرشاد، تحقیق شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ هـ ق.
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، منشورات الشریف الرضی، الطبعة السادسة، ۱۳۹۲هـ ق.
- ۱۹- عباسی مقدم، مصطفی، اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱ش.



- ٢٠- عاملى، سيد جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة نبي الاعظم ﷺ، بيروت- لبنان، دارالسيرة، بي تا.
- ٢١- عسقلانى، ابن حجر، فتح البارى شرح صحيح البخارى، دارالاحياء التراث العربى، الطبعة الرابعة، بي تا.
- ٢٢- فراهيدى، خليل بن احمد، العين، بيروت، دارالهجرة، چاپ دوم، ١٤٠٩هـ.ق.
- ٢٣- فيض كاشانى، محسن، محجة البيضاء فى تهذيب الاحياء، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ دوم، بي تا.
- ٢٤- قائمى، على، زمينه تربيت، انتشارات اميرى، چاپ هفتم، ١٣٧٠ش.
- ٢٥- قمى، عباس، كحل البصر فى سيره سيد البشر، مؤسسة نشر الكتب الاسلامية، ١٣٧٧هـ.ق.
- ٢٦- كتانى، عبدالحى، التراتيب الادارية، بيروت، دارالكتب العربى، بي تا.
- ٢٧- كريمى نيا، محمدعلى، الكوهاى تربيت، قم، نشر پيام مهدى، ١٣٧٧ش.
- ٢٨- كوفى قاضى، محمد بن سليمان، مناقب الامام امير المؤمنين عليه السلام، تحقيق محمدباقر محمودى، مجمع احياء الفقاهة الاسلامية، الطبعة الاولى، ١٤١٢هـ.ق.
- ٢٩- محمودى، امير ملك، سيره پيامبر اعظم ﷺ، قم، نشر خادم الرضا عليه السلام، چاپ سوم، ١٣٨٥ش.
- ٣٠- مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، بيروت، مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانية، ١٤٠٣هـ.ق.
- ٣١- مطهرى، مرتضى، تعليم و تربيت در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ چهلم، ١٣٨٢ش.
- ٣٢- مؤسسة الامام المهدي، التفسير المنسوب الى الامام حسن بن على العسكرى، نشر مهر، الطبعة الاولى، ١٤٠٩هـ.ق.
- ٣٣- نمازى، على، مستدرک سفينة البحار، تهران، قسم الدراسات الاسلامية فى مؤسسة البعثة، ١٣٦٣ش.
- ٣٤- هندی، على المتقى بن حسام الدين، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، تحقيق استاد على اكبر غفارى، قم، انتشارات اسلامية، بي تا.

